



---

# اقتصاد برای همه

---

جلد نخست: تشریح مفاهیم اقتصاد کلان به زبان ساده

تألیف

دکتر علی سرزعی

با مقدمه

دکتر هادی صالحی اصفهانی



# فصل اول

## سیاست‌های معطوف به رشد اقتصادی

### مقدمه

شاید مهم‌ترین دغدغه هر اقتصاددان ایرانی این است که چگونه می‌توان از آموزه‌های علم اقتصاد استفاده کرد تا ایران از وضعیت کنونی‌اش خارج و توسعه‌یافته شود؟ در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، توسعه در کانون توجه هر نظام سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد<sup>۱</sup>. نخست به این پرسش می‌پردازیم که چگونه می‌توان ابعاد یک اقتصاد و سرعت پیشرفت یا پسرفت آن را اندازه‌گیری کرد؟ سپس به این پرسش می‌پردازیم که رابطه آن با رفاه شهروندان چگونه است؟

### شاخص سنجش اقتصاد

تولید ناخالص داخلی<sup>۲</sup> (GDP) یک کشور، جمع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل یک اقتصاد را در بازه زمانی مشخص (یک سال) نشان می‌دهد. این متغیر قدرت تولید یک اقتصاد را نشان می‌دهد. چند نکته در مورد این مفهوم شایان توجه است؛ نخست آن‌که در این تعریف از واژه کالاهای

۱. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در سال‌های پس از انقلاب، تعبیر رشد اقتصادی تعبیر مضمومی بود و به کارگیری آن در فضای ایدئولوژیک حاکم تقبیح می‌شد و به کارگیری تعبیر رشد و توسعه، گوینده آن را در مظان غرب‌زدگی، وابستگی و لیبرال‌بودن قرار می‌داد. به همین خاطر در مجامع تصمیم‌گیری، کارشناسان به ناچار از کلمه سازندگی به جای کلمه رشد اقتصادی و توسعه استفاده می‌کردند. اگر به اشتباه این واژه‌ها را به کار می‌بردند، بلافاصله مورد سؤال قرار می‌گرفتند که آیا مقصود نهایی شما همان جوامع کاپیتالیستی غربی است؟ آیا می‌خواهید که ایران را هم به شیوه سرمایه‌داری اداره کنید و نهایتاً ایران نیز به همان فساد و بی‌عدالتی مبتلا شود که غرب شد؟ به همین دلیل در این دوران تعبیر «رشد» کمتر استفاده شده و اگر هم به کار رفته، بلافاصله با عبارت «همراه با عدالت» تبصره خورده است.

نهایی در مقابل کالاهای واسطه‌ای استفاده شده که دلیل آن پرهیز از بازشماری است. چون ارزش کالاهای واسطه‌ای در کالای نهایی نهفته است، نباید دوباره در محاسبات وارد شود. در عبارت قبل واژه *ناخالص* به این معناست که بخشی از درآمد و تولیدات هر کشور صرف جبران استهلاک سرمایه و ابزارهای تولید می‌شود. اگر بخواهیم تولید خالص را داشته باشیم، باید استهلاک را از تولید ناخالص کم کنیم.

مفهوم سوم، *ارزش* است که از ضرب قیمت در مقدار کالا و خدمات نهایی تولیدشده در اقتصاد به دست می‌آید. بلافاصله این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا به جای ارزش از خود تولید استفاده نشده است؟ مشکلی که در این صورت پیش می‌آید این بود که باید کالاهای ناهم‌جنس با هم جمع زده می‌شد (جمع سیب و پرتقال) که کاری غیرممکن است. حال که قرار است ارزش کالاها با هم جمع زده شود، ممکن است یک مشکل دیگر بروز کند و آن این‌که اگر به دلیل تورم، قیمت‌ها در یک اقتصاد بالا رود، معنای آن این خواهد بود که ارزش کالاها و خدمات تولیدشده در این اقتصاد بالا رفته است، اما این اتفاق واقعاً رخ نداده و اقتصاد بزرگتر نشده، بلکه این عدد به واسطه رشد قیمت، متورم شده است.

باید پذیرفت که این اشکال وارد است؛ اگر از قیمت‌های روز استفاده شود این مشکل رخ می‌دهد. در آمارهای کلان اقتصادی که با عنوان حساب‌های ملی تهیه می‌شود متغیری را که بر اساس قیمت‌های روز محاسبه شده باشد، تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری می‌گویند. برای پرهیز از مشکل یاد شده می‌توان مبنا را قیمت‌های یک سال خاص قرار داد. در این حالت تغییرات متغیر در طول زمان نشان‌دهنده تغییرات واقعی میزان تولید خواهد بود. به این متغیر، تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت آن سال خاص گفته می‌شود.<sup>۱</sup> مفهوم مرتبط دیگر، *ارزش افزوده*<sup>۲</sup> است که ناظر به افزایش ارزش یک محصول در حین فرآیند تولید است. مثلاً اگر ارزش نهاده تولید ۱۰۰ تومان باشد، اما پس از فرآیند تولید محصولی که ایجاد می‌شود ارزشی معادل ۱۵۰ تومان داشته باشد، گفته می‌شود که این فرآیند ارزش افزوده‌ای معادل با ۵۰ تومان داشته است. تولید ناخالص داخلی را می‌توان از طریق جمع ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف در بخش‌های گوناگون محاسبه کرد. در حساب‌های ملی ایران ارزش افزوده بخش‌های مختلف محاسبه و از جمع آنها ارزش افزوده کل مشخص می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. مفهوم مرتبط دیگر تولید ناخالص ملی است که تفاوت آن با تولید ناخالص داخلی در این است که کل تولیدات صرفاً ایرانیان را لحاظ می‌کند. بنابراین تولید بیگانگان در درون سرزمین ایران را از محاسبه خارج و تولید ایرانیان در سرزمین‌های دیگر را در محاسبه وارد می‌کند. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب‌های متعارف اقتصاد کلان مقدماتی نظیر کتاب دکتر طبیبیان مراجعه کنید.

## 2. Value added

۳. روش دیگر محاسبه تولید ناخالص از طریق میزان پرداختی به عوامل تولید است که در اینجا به آن پرداخته نشده، ولی در کتاب‌های مقدماتی اقتصاد کلان نظیر کتاب دکتر طبیبیان به تفصیل توضیح داده شده است.

تولید ناخالص داخلی به یک معنا، قدرت زاینندگی هر اقتصاد را نشان می‌دهد؛ هر چه تولید ناخالص داخلی بزرگتر باشد، نشان از آن دارد که اقتصاد بزرگتر و قوی‌تری است. جدول زیر فهرست تعدادی از کشورها را به ترتیب تولید ناخالص داخلی آنها در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رتبه‌های بالا به کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، چین و ژاپن اختصاص دارد و ایران جایگاه ۲۹ را در دنیا به خود اختصاص داده است.

جدول ۱. تولید اسمی ناخالص داخلی کشورها در سال ۲۰۱۴

رتبه	نام کشور	میلیارد دلار	رتبه	نام کشور	میلیارد دلار	رتبه	نام کشور	میلیارد دلار
۱	آمریکا	۱۷,۴۱۹	۱۱	کانادا	۱,۷۸۹	۲۱	نیجریه	۵۷۴
۲	چین	۱۰,۳۸۰	۱۲	استرالیا	۱,۴۴۴	۲۲	سوئد	۵۷۰
۳	ژاپن	۴,۶۱۶	۱۳	کره جنوبی	۱,۴۱۷	۲۳	لهستان	۵۴۷
۴	آلمان	۳,۸۶۰	۱۴	اسپانیا	۱,۴۰۷	۲۴	آرژانتین	۵۴۰
۵	بریتانیا	۲,۹۴۵	۱۵	مکزیک	۱,۲۸۳	۲۵	بلژیک	۵۳۵
۶	فرانسه	۲,۸۴۷	۱۶	اندونزی	۸۸۹	۲۶	تایوان	۵۳۰
۷	برزیل	۲,۳۵۳	۱۷	هلند	۸۶۶	۲۷	نروژ	۵۰۰
۸	ایتالیا	۲,۱۴۸	۱۸	ترکیه	۸۰۶	۲۸	اتریش	۴۳۷
۹	هند	۲,۰۵۰	۱۹	عربستان سعودی	۷۵۲	۲۹	ایران	۴۰۴
۱۰	روسیه	۱,۸۵۷	۲۰	سوئیس	۷۱۲	۳۰	امارات	۴۰۲

منبع - تارنمای صندوق بین‌المللی پول

## شاخص پیشرفت

حال چگونه می‌توان دریافت که آیا یک کشور در مسیر پیشرفت قرار دارد یا نه و آیا سرعت پیشرفت آن خوب است یا نه؟ آیا به حجم طرح‌هایی که افتتاح می‌شود باید توجه کرد؟ آیا به میزان پرکاری و کم‌خوابی مسئولان باید نگریم؟ واقعیت آن است که اموری از این دست بیشتر جنبه تبلیغی دارند و ملاک درستی برای قضاوت نیستند. ملاک کمی و قابل استناد برای سنجش میزان و سرعت پیشرفت، رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی هر کشور از محاسبه نرخ تغییرات تولید ناخالص ملی محاسبه می‌شود. ممکن است در یک بخش اقتصاد رونقی ایجاد شود و این رونق مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرد،